دوفصلنامه تخصصی «اندیشه‌های قرآنی»
سال هشتم/ شماره ۱۶ـ ۱۵/ بهار ـ زمستان ۱۴۰۰
۲۵-۴۲

روش‌های تربیت سیاسی در نگره قرآنی و حدیثی مقام معظم رهبری

سید زهیر مجاهد[۱]
مصطفی احمدی‌فر[۲]

چکیده

از زمان‌های گذشته تا به امروز اکثریت اندیشمندان و متفکرین علم اخلاق بر این «تربیت سیاسی» به معنای جامعه‌پذیری سیاسی و تداوم ارزش‌ها در بین نسل‌هاست که در خلال آن فرایند انتقال ارزشی از بالا به پایین امکان‌پذیر می‌شود. دین اسلام نیز با نگاهی جامع به انسان، برای ساحت‌های متعدد تربیتی وی به ارائه برنامه پرداخته است. دراین‌میان، «روش‌های تربیتی» برای رساندن متولیان و مربیان امر تعلیم و تربیت به اهدافشان، نقش بارزی را ایفا می‌کنند. این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد استنباط روش‌های تربیت سیاسی از سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله العالی) و بن‌مایه‌های قرآنی و روایی دیدگاه ایشان برآمده است. دیدگاه‌های ایشان درباره «روش‌های تربیت سیاسی» متأثر و مستنبط از قرآن کریم است که در مواردی به روایات نیز مستند شده است. در این پژوهش، دوازده روشِ «تعامل با ادیان»، «عبرت‌آموزی از تاریخ»، «منطقی بارآوردن»، «علمی بارآوردن»، «موقعیت شناس بارآوردن»، «عملگرا بارآوردن»، «روش اعطای بینش»، «برنامه‌ریزی جامع برای کارگزاران»، «ارائه برنامه سیاسی»، «روش عدالت‌باوری و عدالت‌جویی»، «زبده پروری نیروها» و «دشمن‌شناسی» به عنوان روش‌های استنباط شده از سخنان ایشان در ساحت تربیت سیاسی معرفی شده است.

کلید واژه‌ها: تربیت، روش‌های تربیتی، تربیت سیاسی، آیت الله خامنه‌ای، قرآن کریم، روایات.

---

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث جامعة ﷺ المصطفی العالمیه خراسان.
۲. استادیار جامعة المصطفی ﷺ العالمیه خراسان.

مقدمه

دغدغه پرورش اعضای جوامع انسانی با هدف ایجاد یک جامعه فرهیخته و نیل به سعادت فردی و اجتماعی که با پرورش تک‌تک اعضای آن اتفاق می‌افتد، یکی از اصلی‌ترین مشغولیت‌های عمده و اساسی فکری کارگزاران و متصدیان راهبردهای کلان جوامع است. این مهم به طور عمده از طریق راهبردسازی برای «تربیت» افراد دنبال می‌شود. در واقع برقراری و ماندگاری هر نظام، نیازمند اعضایی است که متناسب و بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای آن نظام تربیت شده باشند تا بتوانند در نقش‌های مختلف، اعم از کارگزار و یا شهروند به بقای آن نظام و ساختار مشخص ایفای نقش نمایند. در این میان، حکومت دینی نیز از این اصل، جدا نیست و برای بقای خویش و ایجاد جامعه‌ای هنجار و بسامان نیازمند افرادی است که بر اساس ارزش‌های آن تربیت شده باشند.

تربیت، چنان که خواهد آمد، ساحت‌های متعددی دارد که «تربیت سیاسی» یکی از آن ساحت‌ها به شمار می‌رود. تربیت سیاسی را می‌توان جریان مداوم و مستمری برشمرد که سبب تکامل و رشد افراد جامعه بسان قطعات تشکیل دهنده آن می‌شود تا آنان را به کمال مطلوب و بلوغ سیاسی لازم برساند.

براین اساس، در جریان «تربیت سیاسی» کوشیده می‌شود ارزش‌های بنیادین سیاسی جامعه در نفوس و رفتار شهروندان نهادینه شود، چه اینکه هرگونه کوتاهی دراین‌باره به ویژه در آینده‌ی رهبری جوامع، آثار ناهنجار کلانی به دنبال دارد.

۱- بررسی مفاهیم پژوهش

۱-۱- تربیت

برای تبیین معنای دقیق این واژه، دو رویکرد جستجو در معانی لغوی و بررسی معانی اصطلاحی آن را پی گرفت.

بر این اساس، «تربیت» در معنای لغوی دارای دو ریشه است؛ البته پیداست که این واژه، واژه‌ای عربی و مصدر باب «تفعیل» است. دو ریشه‌ای که گفته می‌شود این واژه از یکی از آن دو مشتق شده است، یکی ریشه «ربو» و دیگری «ربب» است.

اما اینکه تفاوت میان این دو ریشه چیست، گفته می‌شود معنای اصلی «ربب»، هدایت و سوق دادن یک شیء به سوی کمال آن است که از طریق برطرف کردن کمبودها به

روش تخلیه و جایگزینی انجام می‌شود. این فرایند می‌تواند در راستای ذاتیات شیء و عوارض آن باشد یا در اعتقادات و معارف، یا در اخلاق و صفات یا در اعمال و رفتارها یا در دانش‌های رایج؛ همچنین می‌تواند در انسان، حیوان یا گیاه واقع شود.

به باور این گروه از اهل لغت، بر اساس این معنای اصیل، بلندی جایگاه و کامل شدن آن به ضرورت شرایط است، به همین دلیل در معاجم لغت از این معنای ریشه‌ای گاهی به اصلاح و گاهی به اِنعام و نیز اِتمام، تدبیر و... تعبیرمی‌شود، اما معانی مالکیت، مصاحبت و همراهی، سیادت و بزرگی، قیمومیت و سرپرستی، زیادت و رشدونمو، برطرف‌کردن نیازها، تعلیم، تغذیه و... از لوازم و آثار این معنای اصیل به شمار می‌روند که به تناسب موضوع و ضرورت شرایط خاص بیان شده است.(اعرافی، ۱۳۹۱، ج۱، ص۱۲۰)

درباره ریشه «ربو» نیز گفته شده است این ریشه زمانی به کار می‌رود که معانی «زیادت»، «رشد»، «نمو» و «علو» مدنظر باشد.(همان)

نتیجه آنکه ریشه «ربب» برای واژه تربیت به دو دلیل گزینه مناسبی نیست؛ ۱. مصدر مضاعف باب تفعیل، به طور معمول بر وزن تفعیل است، نه تَفعِله؛ ۲. اصل، عدم اعلال است، در صورتی که «تربیب» باید با اعلال به «تربیت» تبدیل شود.(همان، ص۱۲۲)

۱-۲ سیاست

سیاست واژه‌ای عربی است که ریشه آن به معنی «رام کردن اسب» است.(عبداللهی، ۱۳۸۸) مفهوم سیاست، مانند هر مفهوم دیگر در علوم انسانی، هم از حیث قلمرو و هم از حیث موضوع، مفهوم پیچیده و مشکلی است. از طرفی هدف از تعریف یک پدیده، این است که یک علم با مباحث علم دیگر آمیخته نگردد و نیز اگر از مفهومی بحث می‌شود، معلوم گردد که از آن، چه برداشتی در نظر است تا بنا بر تعریفی که مورد اتفاق نظر است، بحث نمود و به نتیجه رسید.

بنابراین جهت شفاف شدن مفهوم سیاست، در ابتدا تعریف لغوی و سپس تعریف اصطلاحی آن را از دیدگاه دانشمندان علم سیاست و فلسفه سیاسی، مد نظر قرار داد.

لغت‌شناسان برای واژه «سیاست» معانی بسیاری ذکر کرده‌اند؛ از جمله دهخدا ذیل این واژه آورده است: «رعیت‌داری، پاس‌داشتن ملک، حراست و نگهداری، حکم راندن،

ریاست، داوری، مصلحت تدبیر، دوراندیشی، عقوبت، مجازات و تنبیه و...».(دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه)

تعبیر اصطلاحی این واژه را می‌توان در دو جغرافیا پیگیری نمود؛ «دیدگاه اندیشمندان غربی» و «دیدگاه اندیشمندان اسلامی».

دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران غربی، برداشت‌های گوناگونی از «سیاست» دارند که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. تعاریفی که سیاست را به معنی مطالعه دولت که نوعی جامعه کامل است، در نظر می‌گیرند.

۲. تعاریفی که سیاست را به معنی حکومت که نوعی نهاد رسمی و اجتماعی است، می‌دانند.

۳. تعاریفی که سیاست را به معنی قدرت مطلق، اعمّ از حکومتی یا غیر حکومتی و نهادی یا غیر نهادی، مطرح کردند.

۴. تعاریفی که سیاست را نوعی رفتار معرفی می‌نماید.

از نارسایی این تعاریف به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف) هر کس تحت تأثیر افکار، عقاید و ارزش‌های خود به تعریف سیاست می‌پردازد.

ب) حد و مرزی برای تعریف سیاست ارائه نشده است.

در متون اسلامی و نوشته‌های علما و فلاسفه اسلامی، سیاست به معنی ملک، حکومت، ولایت، امارت، هدایت و... آمده است؛ اگرچه در بیان اهل بیت علیهم‌السلام، شاید به صراحت تعریفی از سیاست نیامده باشد، امّا از محتوا و معانی سخنان ایشان می‌توان استنباط نمود که به این مسأله نظر خاصی داشته‌اند. مثلاً امام علی﴿ع﴾ در چند قسمت از سخنان خود، به واژه سیاست اشاره نموده‌اند. مانند:

ـ «الملک سیاسهٔ»؛ ملک عبارت است از سیاست.(محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج۴، ص۵۸۲)

ـ «حسن السیاسهٔ قوام الرعیه»؛ نیکویی سیاست، باعث قوام و دوام ملت است.(تمیمی‌آمدی، ۱۳۹۵، ج۳، ص۳۸۴)

ـ «حسن السیاسهٔ یستدیم الریاسهٔ»؛ نیکویی سیاست، دوام ریاست را در بر دارد.(همان، ص۳۸۵)

ـ «فضیلهٔ الریاسهٔ حسن السیاسهٔ»؛ فضیلت ریاست، حسن و نیکویی سیاست است.

از این تعابیر درمی‌یابیم که سیاست، رابطی است میان ملک(ریاست) و رعیّت؛ پس اگر ریاست را به معنی سرپرستی در نظر بگیریم و رعیّت را نیز جامعه‌ای انسانی، سیاست عبارت است از تدبیری جهت اداره جامعه انسانی.(جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص۱۵)

امام خمینی(ره) سیاست را به معنی راه بردن و هدایت افراد جامعه به سوی هدف متعالی اسلام می‌داند.

> سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد؛ تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان است.(امام خمینی، ۱۳۸۰، ج۱۳، ص۲۱۸-۲۱۷)

بنابراین می‌توان سیاست را از نظر امام خمینی (ره) با این تعریف مطابق دانست که: «سیاست عبارت است از اداره جامعه‌های انسانی و هدایت آنها به سوی تعالی».(جهان‌بزرگی، ۱۳۹۸، ص۲۳۳)

> سیاست‌های صحیح اگر هم باشد، امّت را در یک بعد هدایت می‌کند و راه می‌برد و آن بعد حیوانی است. این سیاست یک جزء ناقص است از سیاستی که در اسلام برای انبیا و اولیا ثابت است؛ آنها می‌خواهند ملت را هدایت کنند».(امام خمینی، همان)

درباره تعاریف اسلامی «سیاست» می‌توان گفت وجه مشترک تعاریف اسلامی این است که سیاست را از دیدگاه رابطه انسان با خدا تعریف کرده‌اند و مسئله هدایت‌گری در زبان تمامی آن‌ها قابل مشاهده است. ثانیاً فرق اساسی سیاست اسلامی با سیاست غیر اسلامی این است که:

۱. مفهوم سیاست اسلامی از آن جهت از مفهوم سیاست غربی وسیع‌تر است که سیاست در غرب بر مدار «قدرت» می‌چرخد، ولی سیاست اسلامی بر مدار «هدایت». علی‌رغم این که اسلام برای تحقق اهداف سیاسی خویش، استفاده از قدرت را در اولویت قرار نمی‌دهد و این به این معنی نیست که اسلام به قدرت توجهی ندارد؛ بلکه اسلام اعتقاد به قدرتی مشروع در جهت اجرای هدف خویش را در وهله‌ی دوم قرار داده و در

وهله اول، بهترین وسیله برای اجرای این اهداف را همان خواست قلبی و مسئله هدایت‌گری دانسته است.

۲. همان‌طور که اشاره شد، تفاوت سیاست اسلامی و سیاست غربی، در جهت و هدف آن‌هاست. جهت و هدف سیاست اسلامی ایجاد جهانی انسانی جهت اجرای عدالت اجتماعی است، به شیوه‌ای که خداوند مقرر فرموده است؛ حال آنکه سیاست غربی به دنبال هدفی به نام «قدرت»، آن هم از نوع قدرت زمینی، به عنوان عمده مقوله‌ی واقعی در صحنه سیاست است. بنابراین اگر بخواهم تعریف مشخصی از سیاست ارائه دهیم، می‌توان چنین گفت: «سیاست یعنی اتخاذ تدابیری جهت اداره جامعه انسانی و هدایت آن به سوی تعالی».(اخترشهر، ۱۳۸۶، پیشگفتار)

۱-۳- تربیت سیاسی

در تعریف و تبیین «تربیت سیاسی» نیز شاهد تنوع آراء هستیم. به عنوان مثال در یک تعریف آمده است:

> تربیـت سیاسی پروسه‌ای است که از طریق آن مشروعیت حاکمیت، قانون مداری، گفتمان و بهبود زندگی و شکوفایی انسان، محقق می‌شود. در این تعریف، قانون‌مداری رابطه بین حاکم و مردم، تأمین نظم و آرامش و آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی را همراه خود دارد و بهبود زندگی انسان و شکوفایی او نیز موجب مشارکت در اداره عمومی، آزادی و رسیدن به انسان شایسته(دانا، عقلانی، اخلاقی) است.

۲- روش و گرایش تفسیری مقام معظم رهبری

تفاسیر متعدد قرآن نشان می‌دهد که هریک از مفسران، قرآن را از منظری خاص و دیدگاهی محدود تفسیر کرده است، یعنی مفاهیم قرآن را براساس بینش خود- که الزاماً یک بینش بیش نیست- فهم کرده و توضیح داده‌اند.

«روش‌های تفسیری» درواقع از مبادی نخستین هر نوع پژوهش تفسیری است، یعنی مفسر در آغاز باید معلوم کند که به گونه‌ای اصولی چه مبنایی (روش) را زیربنای استخراج مفاهیم عقلی، نقلی، علمی، کلامی، فلسفی و... از قرآن قرار داده است، اما اهتمام و توجه مفسر به یک بعد از ابعاد معارف قرآنی و انصراف از دیگر جنبه‌ها، در مرحله بعد مطرح

است، بنابراین اختلاف در گرایش‌های علمی مفسران، ربطی به روش‌های تفسیری ندارد و درواقع از اوصاف عرضی تفسیر است.

«روش تفسیری» را نباید با مفاهیمی چون «مذاهب تفسیری»، «وجوه تفسیر»، «رویکردهای تفسیری» و... اشتباه کرد. همچنین گفتیم که همین گرایش‌های علمی و سلیقه‌هاست که مذاهب مختلف تفسیری را پدید آورده است و معلوم است که هریک از این مذاهب تفسیری، برخاسته از روش مخصوصی است که معتقدان به آن، روش‌های دیگر را در فهم قرآن مردود یا ناکافی دانسته‌اند.

برای تعریف مفهوم «روش تفسیری» در آغاز باید به مفهوم لغوی و اصطلاحی «روش» اشاره کنیم. «روش» (نهج، منهج) در لغت به معنای «راه روشن و آشکار» آمده است.(معین، ۱۳۸۶، ج۴، ص۴۸۶۴) در منابع لغوی این واژه درمنابع عربی نیز چنین می‌خوانیم: «نهج: طریق نهج: بین واضح... و سبیل منهج: کنهج و منهج‌الطریق: و ضحه، و النهج‌الطریق: وضح و استبان و صار نهجا واضحا بینا».(ابن‌منظور، ۱۴۰۷ق، ج۱۴، ص۳۰۰) در تعریف اصطلاحی «روش» (منهج) نیز چنین آورده‌اند: «راهی است روشن برای تعبیر از چیزی یا انجام دادن کاری یا یادگیری چیزی براساس مبادی و نظامی معین و معلوم به قصد رسیدن به غایتی معین و معلوم».(نقراشی، ۲۰۰۰م، ص۱۳)

اینک با این توضیح‌ها می‌توانیم «روش تفسیری» را چنین تعریف کنیم: «روش تفسیری، مستند یا مستنداتی است که مفسر براساس آن، ایده و مفهومی را که خود ساخته و پرداخته است به عنوان تفسیر و مقصود کلام الهی معرفی می‌کند و برای کشف معانی از الفاظ قرآن، ربط الفاظ به یکدیگر و نیز برای کشف دلالات و احکام قرآنی از آن مستند یا مستندات پیروی می‌کند».(میرعبداللهی، ۱۳۹۵)

با توجه به آنچه در مورد روش تفسیر گفته شد و با مطالعه بیانات مقام معظم رهبری که مستند به آیات قرآن بوده و همچنین «تفسیر سوره برائت» معظم له، چنین بر می‌آید که روش این تفسیری ایشان روش اجتهادی است که در کنار آن به طور چشمگیری از روش قرآن به قرآن و روایی نیز بهره گرفته شده است.

تفسیر قرآن به قرآن نیز در تفسیر ایشان نمودی برجسته دارد، بدین معنا که آیه‌ای به کمک آیات دیگر، تفسیر و مقصود از آن روشن می‌شود.

به عنوان مثال:

۱. در تفسیر آیه «الا تقاتلون قوماً ما نکثوا ایمانهم...»(توبه: ۱۳) و برای تبیین ملاک مبارزه و مقابله با کفار به آیات ۸ و۹ سوره مبارکه ممتحنه استناد شده است.

۲. در تفسیر «الحامدون» ذیل آیات جهاد به آیات سوره نصر اشاره شده است.

۳. در تفسیر آیه «فأنزل الله سکینته علیه» و برای اثبات بازگشت ضمیر به پیامبر(ص) ـ نه به ابوبکر ـ به آیاتی چند استناد شده است، از جمله

ـ توبه ۱۱۲/ حجر ۹۷ / هود۱۲ / طه۲/ اسراء ۷۴/ توبه ۱۶

۴. آیه «یؤمن للمؤمنین» توبه ۶۱ در کنار آیه ۶ حجرات قرار داده شده است تا اصلی کلی استخراج شود

۵. در تفسیر آیه ۹۷ توبه به آیه ای از سوره حجرات استناد شده است و برای تبیین آیه ۱۱۴ نیز آیاتی از سوره ممتحنه مستند قرار گرفته است

۳- گرایش تفسیر سیاسی

گرایش تفسیری به معنای تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و سبک‌های پردازش تفسیر قرآن است که براساس عقاید، نیازها، ذوق، سلیقه و تخصص مفسر شکل می‌گیرد،(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص۲۳) لذا اگر در تعریف روش معتقد باشیم که روش مستنداتی است که مفسر بر اساس آن‌ها کلام خود ساخته را به عنوان تفسیر، معنی و مقصود آیات الهی می‌شمارد و تنها راه دست‌یابی به مقاصد قرآن را همان مستندات می‌داند،(عمید زنجانی، ۱۳۷۶، ص۱۸۷) باید گفت تفسیر سیاسی یک روش و مبنای تفسیری نیست و از آن به گرایش سیاسی در تفسیر نام می‌بریم و در آن ذوق، علاقه و نیاز زمان برکار مفسر تاثیر گذاشته است.

۴- روش‌های تربیت سیاسی در نگره مقام معظم رهبری

متولیان تعلیم و تربیت برای به ثمر رساندن اهداف و برنامه‌های خود و بارآوردن متربیان مطابق مبانی، اصول و برنامه‌های از پیش تعیین شده، از روش‌های مختلف تربیتی استفاده می‌کنند.

روش(method) که در لغت به معنای قاعده، قانون، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و منوال آمده است، ناظر به پیمودن مسیری برای رسیدن به هدفی است. به همین مناسبت، در علوم نظری، روش به راه یا قاعده‌ای اطلاق می‌شود که برای کشف حقیقت به کار می‌رود و در علوم عملی مانند اخلاق،

سیاست و تعلیم و تربیت، به راهی که برای رسیدن به هدفی عملی اتخاذ می‌شود، گفته می‌شود.(مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص۴۴۵)

این تعریف، زمانی که صحبت از تعلیم و تربیت اسلامی یا تعلیم و تربیت مبتنی بر قرآن و روایات است، تبیین دقیق‌تری می‌خواهد. براین اساس، می‌توان گفت «روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی» که «تربیت سیاسی» نیز از آن بهره می‌برد، عبارت است از:

روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی که با عناوین کلی بیان می‌شوند، ناظر به انواعی از فعالیت‌های اختیاری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی هستند که می‌توانند ما را ـ هر چند در شرایطی ـ به اهداف مطلوب در این حوزه برسانند. این روش‌ها که با همه مؤلفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی به نوعی ارتباط دارند و از تأثیر این فعالیت‌ها بر تعلیم و تربیت انتزاع می‌شوند، خود دارای مراتب طولی هستند و برخی از آن‌ها برای اهداف مختلف به کار می‌روند. از سوی دیگر برای رسیدن به یک هدف نیز ممکن است روش‌های متنوع و احیاناً متزاحم وجود داشته باشد. فعالیت‌هایی که روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی ناظر به آن‌ها هستند، اعم از فعالیت‌های خاص آموزش و پرورشی است و انواع عملیات مدیریتی در این حوزه مانند برنامه‌ریی و ارزیابی را نیز شامل می‌شود.(همان، ص۴۵۰)

۱-۴ روش تعامل با ادیان

آیات قرآن کریم در برابر این پرسش که اسلام دین صلح است یا خشونت، بیانگر این مطلب است که اسلام، دعوت‌کننده به اصول مشترک ادیان الهی است و رابطه با ادیان آسمانی را بر اساس رابطه تعامل تعریف کرده است، چنان که در سوره مبارکه آل عمران آمده است:

«قُل یا أهلَ الکِتابِ تَعالَوا إِلی کَلِمَةٍ سَواءٍ بَینَنا وَبَینَکُم أَلّا نَعبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشرِکَ بِهِ شَیئًا وَلا یَتَّخِذَ بَعضُنا بَعضًا أَربابًا مِن دونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوا فَقولُوا اشهَدوا بِأَنّا مُسلِمون». بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید: «شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما].» (آل عمران/۶۴)

بر این اساس، متولیان سیاستگذاری و یا کارگزاران روابط خارجی باید به این مسئله به عنوان یک روش آموزشی نگاه کنند. توجه به مشترکات میان ادیان و صلح‌محور بودن اسلام در فرمایش مقام معظم رهبری نیز آمده است و ایشان در سخنانشان به این آیه مبارکه استدلال کرده‌اند:

> اسلام علیه ادیان دیگر نیست. اسلام همان دینی است که وقتی بر مناطق غیر مسلمان مسلط شد، اصحاب ادیان از رحمت اسلام شکرگزاری کردند و گفتند شما بر ما از حکام قبلی خودمان مهربانتر هستید. در همین منطقه شامات، وقتی فاتحان اسلامی وارد شدند، یهودیان و مسیحی‌هایی که در منطقه بودند، به آنها گفتند شما مسلمانها بر ما مهربانید. آنها با مردم مهربانی کردند. اسلام دین رأفت است، دین رحمت است؛ رحمةً للعالمین است. اسلام به مسیحیت می‌گوید: «تعالوا الی کلمۀ سواء بیننا و بینکم». مشترکات را با آنها مورد ملاحظه قرار می‌دهد. اسلام علیه ملت‌های دیگر نیست، علیه ادیان دیگر نیست؛ علیه زور است، علیه ظلم است، علیه استکبار است، علیه سیطره‌جویی است. سیطره‌جویان و ظالمان و مستکبران این حقیقت را به عکس در دنیا وانمود می‌کنند. آن‌ها از همه امکانات هم استفاده می‌کنند؛ از هالیوود گرفته تا امکانات تبلیغاتی، تا اسلحه و نیروهای نظامی، برای اینکه عکسِ این را تبلیغ کنند و به دنیا نشان بدهند.(بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۰۱/۱۷)

بر این اساس، یکی از روش‌های تربیت سیاسی نسل جوان کشور، برخورد توأم با تعامل با پیروان سایر ادیان است که به ویژه در عرصه بین‌الملل بازتاب‌های فراوانی خواهد داشت.

۴-۲ روش عبرت آموزی از تاریخ گذشتگان

بهره‌بری از شکست‌ها و پیروزی‌های دیگران در امر حکومت‌داری که پیش‌تر از ما زیسته‌اند، می‌تواند به عنوان یک روش در تربیت سیاسی زمامداران حال یا آینده به کار گرفته شود. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «قُل سیروا فِی الأَرضِ فَانظُروا کَیفَ کانَ عاقِبَةُ المُجرِمین». بگو: «در زمین بگردید و بنگرید فرجام گنه‌پیشگان چگونه بوده است». (نمل/۶۹)

مطالعه در تاریخ و عبرت گرفتن از سرنوشت دیگران، به عنوان یک روش تربیتی در قرآن کریم معرفی شده است؛ روشی که با تأکید بر بُعد اجتماعی و زمامداری، می‌تواند به عنوان یک روش در «تربیت سیاسی» معرفی شود. این نکته از نگاه تیزبین یک رهبر خبیر و اندیشمند هیچ‌گاه دور نمی ماند:

> بنده که بیشترِ سنگینی بارم این است که نگاه کنم ببینم کجا شعله جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم؛ ببینم کجا اشتباه کاری می‌شود، جلوش را بگیرم، مسؤولیت اصلی حقیر، همین‌ها است؛ از وجود جهاد در وضع کنونی کشور، نگران نیستم. این را شما بدانید! منتها، نکته‌ای بلیغ در قرآن است که ما را به فکر می‌اندازد. قرآن به ما می‌گوید: نگاه کنید و از گذشته تاریخ، درس بگیرید. حال ممکن است بعضی بنشینند و فلسفه‌بافی کنند که «گذشته، برای امروز نمی‌تواند سر مشق باشد.» شنیده‌ام که از این حرف‌ها می‌زنند و البته، برف، انبار می‌کنند! به خیال خودشان، می‌خواهند با شیوه‌های فلسفی، مسائلی را مطرح کنند. کاری به کار آن‌ها نداریم. قرآن که صادق مصدِّق است، ما را به عبرت‌گرفتن از تاریخ دعوت می‌کند. عبرت‌گرفتن از تاریخ، یعنی همین نگرانی‌یی که الان عرض کردم. چون در تاریخ چیزی هست که اگر بخواهیم از آن عبرت بگیریم، باید دغدغه داشته باشیم. این دغدغه، مربوط به آینده است.(بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰)

۳-۴ منطقی بارآوردن

تکیه بر منطق که حرکت بر مدار تعقل و اندیشه است، جایگاه مهمی در معارف اسلامی دارد. جدای از نگاه درون ارزشی به این مؤلفه، جایگاه ارزشمند منطقی بودن در سایر جوامع نیز مورد اتفاق و پذیرش است.

این مهم(منطقی بودن) زمانی ارزش خود را بیشتر نشان می‌دهد که رفتار فرد در یک مجموعه کلان مورد ارزیابی قرار بگیرد؛ بدین شکل که مدیریت خرد یا کلانی به وی سپرده شود و بخشی از عملکرد بهینه وی به رفتار منطقی او گره بخورد.

بهترین قالب برای این مثال را می‌توان یک کارگزار سیاسی در نظر گرفت که بسامد رفتار منطقی یا غیرمنطقی وی، اثرات قابل توجهی را به دنبال دارد. ازاین‌رو بارآوردن و تربیت منطقی بودن یک سیاستمدار یا کارگزار اجتماعی می تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد.

امیرمؤمنان به این نکته در بخشی از نامه خود به مالک اشتر اشاره کرده اند که: «ثُمَّ لْيَكُنْ آثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمُرِّ الْحَقِّ لَكَ؛ و باید که برگزیده ترین وزیران تو کسانی باشند که سخن حق بر زبان آرند، هر چند، حق تلخ باشد و در کارهایی که خداوند بر دوستانش نمی پسندد کمتر تو را یاری کنند، هر چند، که این سخنان و کارها تو را ناخوش آید».(نهج‌البلاغه، نامه ۳۵)

بر این اساس، مقام معظم رهبری در بیانات خود، به لزوم منطقی بودن مدیران نظام، تأکید دارند:

> من از دولتها و از رؤسای جمهور در طول این سالهای متمادی همواره حمایت کردم؛ توصیه هم کردم، در موارد متعدد و زیادی از آنها توضیح هم خواستم. تکیه این بوده است که برای مردم هزینه درست نکنند، مشکل درست نکنند، دغدغه‌آفرینی نکنند، مردم را دچار تشویش و نگرانی نکنند؛ البته وعده‌ی بیخود و بی‌مبنا هم ندهند، درِ باغ سبزهای بی‌منطق هم باز نکنند؛ منطقی، معقول، منطبق با واقعیت و با توکل به خدای متعال حرکت را پیش ببرند؛ ان‌شاءاللّه در آینده هم باید همین جور باشد.(بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور ۱۳۹۲/۲/۷)

۴-۴- علمی بارآوردن

عرصه روابط سیاسی مانند سایر عرصه‌های دیگر روابط اجتماعی، نیازمند نیروهای متخصص است که ضمن انجام کار به صورت احسن، مانع آسیب به ساختار حکومت و روابط با دیگران شوند.

خالی بودن عرصه از نیروهای متخصص، ضمن کاهش کارایی در مواردی ممکن است، خسارت‌های بسیاری را نیز موجب شود. به فرمایش نبی مکرم اسلام(ص): «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ؛ کسی که عمل بدون علم انجام دهد افسادش بیشتر از صلاحش است و آنچه را فساد می‌کند، بیشتر از چیزی است که اصلاح می کند (عملی را که فرد می کند خیر و صلاح است از روی عدم علم فاسد می کند».(علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج۱، ص۲۰۸)

تکیه بر صلاحیت علمی کارگزار نظام که می‌تواند در جریان تربیت سیاسی، بدان دست یابد، در این فرمایش مقام معظم رهبری که مبتنی بر نگره روایی ایشان است، جلوه‌گر است:

یکی از جوانهای عزیز گفتند مثل اینکه نسل جدید اگر بخواهد مسئولیت را به عهده بگیرد، خودش باید وارد میدان شود. من اتفاقاً این را تصدیق میکنم، باید خودش وارد میدان شود؛ منتها وارد میدان شدنش به چه معناست؟ صلاحیت کسب کند؛ صلاحیت علمی، صلاحیت عملی، صلاحیت حضور در میدان. بعضیها هستند کار علمی هم کرده‌اند، عالم هم هستند، دانشمند هم هستند، اما اهل دردسرِ ورود در میدانهای عملیاتی نیستند. اما اگر کسی میخواهد واقعاً به مسئولیتهای کشور دست پیدا کند و این را برای خودش مهم میداند، نه خدمت را – بالاخره خدمت، اعم از حضور در مسئولیت است؛ حضور در مسئولیت هم یک جور خدمت است؛ البته خدمت مؤثرتر و عمومیتر و بهتری است – خب، این صلاحیت‌هائی لازم دارد؛ صلاحیت علمی هم لازم دارد، صلاحیت عملی هم لازم دارد، انگیزه‌ی ورود در میدان هم لازم دارد.(بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۰/۰۹/۱۵)

۴-۵- موقعیت‌شناس بارآوردن

بر اساس معارف رسیده از اهل بیت(ع) شناخت شرایط زمانی و محیطی، نقش بسزایی در موفقیت افراد و جوامع دارد. در روایات رسیده از ائمه معصومین(ع) افرادی که موقعیت شناس باشند، افراد مصون مانده از شبهات معرفی شده اند. مسئله که برای افراد مؤثر در ساختار سیاسی یک نظام بسیار اهمیت دارد، چه اینکه اکر کارگزاران نظام در مواقع حساس، فاقد بصیرت لازم باشند، نخواهند توانست موانع را پشت سر گذاشته و در نتیجه از آزمون ها و امتحانات نیز موفق بیرون نخواهند آمد.

این مهم می‌تواند در سیر یک تربیت سیاسی مبتنی بر آیات و روایات رقم خورده و کارگزاری آگاه و بصیر را تربیت کند.

مقام معظم رهبری نیز با توجه به این مسئله و با استفاده از مبانی دینی فرموده اند:

اینهایی که بصیرت ندارند – مثل این بیچاره‌هایی که در فتنه گرفتار شدند – مثل کسانی‌اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار میخواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خب نمیداند دشمن کجا است؛ یکی از اوّلین شرایط جنگهای نظامی، اطّلاعات است؛ بروید اطّلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون اطّلاع رفتید، شما ممکن است جایی را بزنید که دوست آنجا است؛ کسی را بزنید که با شما دشمن نیست و به دشمن کمک کنید؛ گاهی این‌جوری میشود. اگر بصیرت نبود، میشود این؛ که فرمود: العالِمُ بِزَمانِهِ

لا تَهجُمُ عَلَیهِ اللَّوابِس؛ شبهات و نادانی‌ها و نفهمی‌ها به کسی که عالم به زمان خود است، هجوم نمی‌آورند؛ میفهمد چه‌کار باید بکند. اگر این نبود، مشکل به‌وجود خواهد آمد، حتّی اگر آن احساس مسئولیّت هم باشد(بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶)

غیر از آنچه ذکر شد، بررسی بیانات مقام معظم رهبری(مدظله العالی) بیانگر این مطلب است که روش‌هایی همچون «عملگرا بارآوردن»، «روش اعطای بینش»، «روش برنامه‌ریزی جامع برای کارگزاران»، «روش ارائه برنامه سیاسی»، «روش عدالت‌باوری و عدالت‌جویی» و «روش دشمن‌شناسی» نیز از بیانات ایشان قابل استنباط است که محدودیت مقاله اجازه تبیین سایر موارد را نمی‌دهد.

نتایج پژوهش

جامعه‌پذیری سیاسی یکی از مسائل اساسی در فرهنگ سیاسی هر جامعه است که از طریق آن، بین ارزش های نظام سیاسی و نگرش عمومی پیوند و هماهنگی ایجاد می شود، لذا هراندازه عمق و گستره جامعه پذیری سیاسی بیشتر باشد، به همان میزان پیوند بین دولت و جامعه عمیق‌تر و وسیع‌تر بوده و دولت نیز از ثبات و مشروعیت بالاتری برخوردار است. از این لحاظ، در هر جامعه، «تربیت سیاسی» به عنوان مقدمه‌ای برای جامعه‌پذیری سیاسی از اهمیت ویژه برخوردار است.

اهداف تربیت سیاسی نیز در هر جامعه، بسته به مبانی آن متفاوت است؛ لذا هدف تربیت سیاسی در جوامع سکولار و جوامع دینی متفاوت خواهد بود.

برخی بر این باورند که هدف نهایی از تربیت سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی و تداوم ارزش ها در بین نسل‌هاست که در خلال آن فرایند انتقال ارزشی از بالا به پایین امکان‌پذیر می‌شود.

هدف «تربیت سیاسی» به عنوان یکی از مهم‌ترین ساحت‌های تربیتی، متضمن به کارگیری روش‌های تربیتی متعدد نیز می‌باشد.

دین اسلام نیز به عنوان آخرین دین آسمانی که متضمن سعادت انسان است، ساحت‌های مختلف تربیتی انسان را مورد پوشش قرارداده و منطبق بر مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ویژه خود، برنامه‌ها و روش‌های تربیتی را ارائه کرده است. «روش‌های

تربیت سیاسی» به عنوان یکی از ساحت‌های اساسی تربیتی انسان، نیز از این شمول خارج نیست.

استنباط پیام‌های تربیتی از قرآن کریم از دیرباز میان اندیشمندان اسلامی رایج بوده و امروزه تفسیر با گرایش سیاسی، یکی از گرایش‌های شناخته شده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله العالی)، به عنوان فقیهی آگاه و خبیر، و اسلام‌شناسی زبده، در سخنان متعدد خویش به روش‌های تربیت سیاسی اشاره داشته‌اند که مبتنی بر آیات قرآن کریم می‌باشد. ایشان برای نظرات خویش، همچنین به روایات نیز استناد کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش ارائه‌کننده دوازده روش تربیتی در تربیت سیاسی می‌باشد که عبارت‌اند از: «روش تعامل با ادیان»، «روش عبرت‌آموزی از تاریخ»، «منطقی بارآوردن»، «علمی بارآوردن»، «موقعیت شناس بارآوردن»، «عملگرا بارآوردن»، «روش اعطای بینش»، «روش برنامه‌ریزی جامع برای کارگزاران»، «روش ارائه برنامه سیاسی»، «روش عدالت‌باوری و عدالت‌جویی» و «روش دشمن‌شناسی».

فهرست منابع:

- قرآن کریم(ترجمه فولادوند)
- نهج البلاغه(فیض الاسلام)
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ج۱۴، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- اخترشهر، رجبعلی، **سیاست چیست**، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۶، منتشر شده در وبگاه مؤسسه فرهنگی مطالعاتی صراط مبین.
- اعرافی علیرضا، **فقه تربیتی**، ج۱، نشر اشراق، قم، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱.

- اعرافی، علیرضا و دیگران، **در آمدی بر فلسفه تعلیم وتربیت اسلامی**، سمت، تهران، ۱۳۹۲.
- امام خمینی، سید روح الله الموسوی، **صحیفه امام**، ج ۹، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۰.
- امام خمینی، سید روح الله الموسوی، **صحیفه نور**، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ج۱۳، تهران، ۱۳۸۰.
- بهبودی، هدایت الله، **شرح اسم**(زندگی نامه آیت الله سیدعلی حسینی خامنه ای)، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۹۰.
- بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی ۱۳۹۹/۲/۱۷.
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان/ ۱۳۹۰/۰۹/۱۵.
- بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۱/۱۷.
- جهان بزرگی، احمد، **اصول سیاست و حکومت**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
- جهان بزرگی، احمد، **درآمدی بر تحول نظریه دولت در اسلام**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۸.
- خامنه ای سید علی، **بیان قرآن**(تفسیر سوره برائت)، پیشگفتار، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.

- دهخدا، علی اکبر، **لغت‌نامه**، چاپ دوم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- راغب اصفهانی، حسین، **مفردات الفاظ قرآن الکریم**، ترجمه حسین خداپرست، چاپ پنجم، نوید اسلام، تهران، ۱۳۹۲.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن(۲)، **روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن**، انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۸۷.
- رنجبر، مقصود، **تربیت سیاسی در چارچوب نظامهای سیاسی و نظریه‌های مختلف**، راه تربیت، شماره پنجم، ۱۳۸۷.
- صدری، محمد جعفر، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**، انتشارات سهروردی، تهران، ۱۳۸۶..
- طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه موسوی همدانی، نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۶.
- طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیرالقرآن**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲.
- عارفخانی، احمد، **اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری**، دفتر عقل، تهران، ۱۳۸۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی، **مبانی و روش‌های تفسیر قرآن**، چاپ سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران،۱۳۷۶.

- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحیط**، دارالجیل، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- محمدی ری‌شهری، محمد، **میزان الحکمه**، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۴ش.
- میرعبداللهی، سید باقر، **روش تفسیری چیست؟**، منتشر شده در: tebyan.net.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج۱، چ۴، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۶.
- نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، ج۱۶، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۳.
- نقراشی، محمود، **مناهج المفسرین**، مصر، دارنهضه، ۲۰۰۰م.